

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شعر از لاهوتی
فرستنده: جاوید
۱۲ مارچ ۲۰۱۸

زنبور عسل

بالای گلها
زنبور عسل
با ساز و آواز
می پرید

و اتفاقاً
در همان محل
بد نفس گراز
می چرید

گراز می رنجید
ز آواز زنبور
بر جرأت وی
می آشفت

نفیر می کشید
پُر کین، پُر غرور
به وی پی در پی
بد می گفت

« آنجا که خوک هست
زنبور چه در کار؟
ملعون را ای کاش
سگ می خورد!

بهتر بود از دست
می رفت این گلزار
تا که بی معاش

او می مُرد

اینها را زنبور
دائم شنیده
باز هم لطیف تر
می نواخت

به خوکِ منفور
نیشش خلیده
او را پا تا سر
می گذاخت

در تیرمه تنها
گوشه ای چرکین
از گراز در آن
محل ماند

از زنبور اَما
لطیف و شیرین
برای انسان
عسل ماند

سخن پرداز
خلق ، از این چه غم
گر تو را اغیار
بد گویند !

رسان آوازی
خود را به عالم
بد ، نه یک ، بگذار
صد گویند

از هر اغواگر
نشو پَریشان
با شادمانی
بالا پَر !

چون عسل اثر
بده به جهان
تا می توانی
افزون تر !

ستالین آباد ۱۹۴۳